

چگونگی عوض نمودن حضور کاربردی

غرب و حل و فصل معضل اکرائین بر بنیاد سناریوی کشور ما
بحران ساختاری، پیامدهای آن و ضرورت حاکمیت یکدست

سر خوردگی ها در حل و فصل مناقشات منطقی و محلی
تبدیل کشورها بمتابۀ کشتی های جنگی ایالات متحده
از دیاد روز افزون چالش ها و تهدیدهای امنیتی
اهریمن یعنی آشفتهگی و خشم درونی خردستیز

اصل "کاربرد" در ماهیت علم قرار دارد و علم بدون کاربرد، اصولن ماهیتش محل سؤال است. تحول علم متناسب با سطح کاربردی آنست. درک این ملاحظه در گرو توجه باین اصل است کاساس "علم غیر کاربردی" نداریم. آنچه موجب تمایز گونه های علم می گردد نه کار بردی بودن و یا غیر کار بردی بودن آن، بلکه نوع کاربرد آن است. از این منظر می توان بین گونه های زیر تمایز قایل گردید: کار بردی بمتابۀ "کارویژه". منظور از "کارویژه" آن کاربردی است که فلسفه وجودی پدیده را شکل می بخشد. لذا در صورتی کاین کاربرد منتفی و یا مخدوش گردد، فلسفه وجودی پدیده دچار آسیب می گردد. در خصوص علم، تذکر این مسأله مهم می باشد که "کار ویژه" آن حوزه علمی چیست؟ برای مثال اگر "علمی" وضع شده تا توانایی های ذهنی را در زمینه تخیل و رویا پردازی پرورش دهد، نمی توان بصراف اینکه به موضوعاتی می پردازد که ذاتن انتظاعی اند یا اینکه در بطن حضور و بروز ندارد، یا اینکه مسأله شهروندان عادی نیستند و یا آن را "غیر کاربردی" ارزیابی نمود. اقتضای آن فلسفه وجودی، اصول ورود بهمین موارد انتزاعی، غیر واقعی و یا نادر در جامعه است. ب - "کار بردی" بمتابۀ "کارکرد" یعنی استفاده مجاز و قابل تعریف از یک پدیده.

قبل از همه، در نیشته حاضر ذکر این مسأله در خور اهمیت پنداشته می شود که در کنار سایر مسایل موجود، بویژه در شرایط و وضعیت کنونی، "طالب" ها نگران جدی معضل و مشکل امنیتی در کشور و حتا در منطقه آسیای مرکزی و در گُل جهان می باشند، آنها حل و فصل معضل امنیت را بمتابۀ یکی از مهمترین مسایل کلیدی بمنظور تداوم حاکمیت شان در کشور می پندارند. با در نظر داشت واقعیت های موجود، از نقطه نظر مسایل قومی و نژادی بایست خاطر نشان گردد که آنده از پینتون هایی که در سرزمین متعلق به پاکستان بسر می برند، تمایل غیر قابل باوری باتحاد و وحدت مجدد مانند کردها دارند، این سنت در نوع خود، تاریخ چند صدساله داشته و بدلائل اتنیکی، همچنان تداوم حاصل خواهد نمود. افغانستان در هیچ مرحله تاریخی و در هیچ مقطع زمانی، حتا با تغییر و تبدیل و تعویض حاکمیت های سیاسی در کشور، خط فرضی "دیورند" را که در حدود ۲۶۴۰ کیلومتر بر پیکر کشور عزیز ما تحمیل گردیده است، هرگز بر سمیت نشناخته و آنرا فاقد اهمیت و ارزش حقوقی می پندارند. با در نظر داشت مشخصات ساختارهای قومی و نژادی، وضعیت در هر دو جانب خط فرضی یادشده، همیشه پرتنش بوده و گاهی هم شعله درگیریهایی از آنجا زیانه میکشد. بسیاری از شهروندان کشور ما معتقدند که پاکستان یکی از جمله دشمنان شان بوده و تهدیدهای اصلی امنیتی نیز از همین کشور سرچشمه می گیرد. اما بوضاحت مشاهده می گردد که متأسفانه از کشور عزیز ما بمتابۀ کانون تشنج در آسیای مرکزی استفاده بعمل می آید. بسیاری ها هم چنین می پندارند کاز سرزمین و اراضی متعلق بافغانستان به منظور سرهم بندی و ایجاد تنش در امتداد مرزهای کشورهای آسیای مرکزی و دول کشورهای مستقل مشترک المنافع و بویژه بمنظور کاهش نفوذ روسیه استفاده ابزاری بعمل می آید. با اندکی تأمل در مورد روزگار کنونی

کشور باین واقعیت نایل خواهیم گردید که در وضعیت حاضر، شرایط بگونه ایست کاصلن چنین فرصت و امکاتی میسر نمیباشد تا شهروندان کشور از نعمت سواد بهره مند گردند، چه در بهترین حالت، صرف می توانند به مدرسه ابتدایی بروند. در مورد محروم بودن جوانان کشور از فرآگیری علم و دانش عصری، هیچ مرجع و مقامی اصلن خود را پاسخگو نمی پندارد. زمانی که بیشترین عده ای از شهروندان کشور ما در حالت فقر بسر برده و عده بیشماری از اشخاص و افراد بیکار، فقیر و گرسنه موجود باشند، استخدام آنها صرف با پرداخت ۲۰۰ - ۳۰۰ دالر، خیلی ها ساده بوده و بسهولت امکانات گماشتن آنها بهر کارمورد نظر، مهیا و میسر می باشد. اما نباید فراموش نمود که بمنظور جلوگیری از بیثباتی بیشتر در افغانستان و مانع از سرایت و گسترش ناامنی بویژه بکشورهای همجوار، اقدامات و تدابیر بیشتر و گسترده تری مورد نیاز می باشد. این واقعیت بهمگان واضح و مبرهن است کاوضاع ناپایدار سیاسی - اجتماعی در کشور و چگونگی تهدیدهای موجود، قبل از همه با فعالیت های تروریست های بین المللی مورد حمایت غرب مرتبط می باشد. بمنظور مقابله با تهدیدهای احتمالی یادشده از افغانستان بکشورهای همجوار ما، دول کشورهای یادشده، اتخاذ تدابیر و اقدامات اضافی در دستور کار آنها قرار می گیرد. بعقیده مقامات مسؤل، توجه ویژه بتوسعه اقدامات تکمیلی در زمینه تأمین امنیت مرزها، تبادلۀ اطلاعات در باره سازمان ها و دسته بندی های تروریستی و حامیان آنها، همکاری در راستای شناسایی و خشکاندن منابع مالی آنها، ضروری و لازمی پنداشته می شود.

ایجاد و تداوم صلح پایدار و تلاش های صادقانه بمنظور تبدیل افغانستان بکشور پایدار، یکپارچه و مستقل، قبل از همه، بنفع امنیت در منطقه محسوب میگردد. بدلیل موقعیت حساس جغرافیایی کشور عزیز ما که در تقاطع مسیرهای کلیدی تجاری قرار داشته و بمثابة نقطه وصل کننده کشورهای آسیایی و اروپایی محسوب می گردد، از اهمیت ویژه ای برخوردار می باشد. امکانات ترانزیتی و شرایط حمل و نقل موجود در کشور عزیز ما، سبب گردیده تا بیشترین کشور های جهان به میهن عزیز ما افغان ها عطف توجه نمایند.

بسیاری ها بویژه در کشورهای آسیای مرکزی چنین می پندارند که با در نظر داشت تمامی تهدیدهای موجود از جانب افغانستان، اتخاذ تدابیر زود هنگام بمنظور مقابله با صدور بی ثباتی بکشورهای یادشده، ضروری و حتمی پنداشته می شود. بدیهیست که یک راه حل جامع برای رفع این مشکل می تواند در درجه نخست در چارچوب کشورهای همجوار مورد مطالعه و بررسی قرار داده شود. مسؤلان امنیتی کشورهای آسیای مرکزی بویژه تأکید می ورزند که وضعیت ناپایدار سیاسی - اجتماعی در افغانستان و تهدیدهای احتمالی ناشی از آن، درگام نخست بآن مواردی که به عملکردهای تروریست های بین المللی تحت حمایت غرب مربوط می گردد، بایست توجه جدی و همه جانبه معطوف گردد. با در نظر داشت تمامی تهدیدهای موجود در اراضی متعلق بکشور عزیز ما، چنانچه قبلن گفته آمد، اتخاذ تدابیر اولیه و نخستین بمنظور مقابله با صدور بی ثباتی بکشورهای آسیای مرکزی حتمی و لازمی پنداشته می شود.

بربنیاد اظهار نظرهای کارشناسان، در مورد توجه بتوسعه اقدامات تکمیلی در زمینه تأمین امنیت مرزها، تبادلۀ اطلاعات در باره عملکردها و فعالیت های سازمان های تروریستی و حامیان آنها، همکاری در راستای شناسایی و منجمد نمودن منابع تغذیه و اكمال و تجهیز آنها، جلوگیری از تأمین مالی تروریزم و مهمتر از همه، مبارزه موثر و همه جانبه علیه کشت و قاچاق مواد مخدر باید بگونه عملی انجام گردد. همچنان مانند همیشه ابراز اطمینان بعمل می آید که ایجاد و تأمین صلح پایدار در افغانستان متحد، مستقل و یکپارچه، قبل از همه و بیشتر از سایر موارد، بنفع صلح و ثبات در منطقه پنداشته می شود.

اما این واقعیت مسلم را نباید هیچگاهی فراموش نمود که وضعیت وخیم کنونی در کشور ما، عمدتن بر عهده ایالات متحده بوده و روی شانه های گردانندگان اداره و اشنگتن و متحدان آن سنگینی مینماید. بگفته بسیاری ها، افغانستان بمثابة یکی از حلقه های زنجیره ماجراجویی های بی پایان ژئوپولیتیکی غرب برهبری ایالات متحده محسوب می گردد. اما واشنگتن در امتداد حضور و موجودیت پررنگش در کشور ما، هیچگونه اقدام و فعالیتی بمنظور بهبود اوضاع انجام نداد. بر همین بنیاد، اکنون بیکاری و بی روزگاری در کشور ما بیداد نموده و حتا بمرز ۹۵ درصد رسیده، در حدود ۲۳ میلیون تن از شهروندان کشور به کمک های اضطراری غذایی نیاز داشته و در کنار اینهمه، تعداد بیشتر از ۴ میلیون تن از پناهنده های داخلی هم در آستانه گرسنگی قرار دارند. باید اطمینان حاصل گردد که غرب بمفهوم وسیع کلمه، باید مسؤلیت بازسازی کشور ویرانه ما را بر عهده گیرد.

در نشست دول کشورهای همجوار افغانستان که در ازبکستان گشایش یافت، وزرای امور خارجه کشورهای یادشده، بر مسؤلیت ایالات متحده و هم پیمانانش در ناتو در قبال کارزار نظامی و شعله ورنمودن درگیری های مسلحانه ۲۰

ساله در کشور ما تأکید بعمل آوردند. در چهارمین کنفرانس وزیران امور خارجه کشورهای همجوار و با شرکت نماینده های روسیه، چین، ایران، پاکستان، تاجیکستان، ترکمنستان و ازبکستان در سمرقند، شرکت کننده ها بر ضرورت آزاد سازی سریع سرمایه های مالی افغانستان توسط کشورهای غربی تأکید بعمل آوردند تا با استفاده از فرصت، برفع بحران انسانی نقطه پایان بگذارند. اما در مورد مسایل کلیدی، بگونه عمده، ایجاد و پایه گذاری دولت فرآگیر، تضمین دسترسی بانوان کشور بکار و آموزش، احترام بحقوق اقلیت های ملی و مذهبی و ضرورت ارائه کمک های بین المللی بشردوستانه بمنظور احیای اقتصاد ملی کشور ما تأکید بعمل می آید.

اما در مورد قربانیان تروریزم و حق آنها بمنظور دسترسی بعدالت بایست خاطر نشان گردد که حق دسترسی قربانیان بعدالت، بمتأیبه حق اساسی بشرویک اصل حاکمیت قانون بشمار می آید. اسناد و مدارک حقوقی حقوق بشر بین المللی و منطقوی متعددی بحق دسترسی بعدالت اشاره می کنند که از جمله حق برخورداری از راه حل مؤثر و حق دادرسی عادلانه می باشد. بمنظور دستیابی باین حق، دولت ها موظفند راهایی بمنظور دسترسی قربانیان به سیستم قضایی و رسیدگی به پرونده های آنها دریک مرجع قضایی صالح فراهم کنند.

آسیب های ناشی از اقدامات تروریستی شامل حال تعداد بیشماری از قربانیان بدون در نظر داشت ملیت و موقف اجتماعی آنها شده و آسیب های گسترده مادی، روانی و روانی - عاطفی را برای آنها ببار می آورد. این آسیب ها می توانند در طولانی مدت بر زندگی و حیات قربانیان اثر گذار واقع گردند. نباید فراموش نمود که در میان نیازهای قربانیان، بویژه پس از ارتکاب جنایات مرتبط به تروریزم، اصل دسترسی بعدالت نقش اولیه و نخستینی را ایفا می نمایند. در حالی که بازماندگان در تلاش بمنظور بازسازی زندگی و غلبه بر آسیب های وارده می باشند، دولت ها همیشه و در بسا موارد، حمایت های لازمی و ضروری از آنها و خانواده های شان را تضمین نمی نمایند.

اداره و اشنگتن و شخص بایدن چنین می پندارند که اقدام در مورد فراخواندن نظامیان ایالات متحده از افغانستان، کا ملن درست بوده و بر بنیاد واقعیت های میدانی موجود در افغانستان اتخاذ گردید.

اما فراموش خاطر ما نگردد که "مبارزه برای بازسازی سیاست خارجی پس از ترامپ" که توسط اکسیوس بدست آمده، نشان می دهد که بایدن از نوع نگاه سیاستمداران در مورد تصمیم نامبرده بمنظور ترک سرزمین و اراضی کشور ما که پس از ۲۰ سال درگیری های خونین مسلحانه، جنبه عملی اتخاذ نمود، شاکی بنظر می رسد. همه چنین می اندیشیدند که تداوم جنگ و در نتیجه پایان درگیری های مسلحانه در افغانستان ناخوشایند خواهد بود.

ظاهر بایدن می دانست که بمنظور انتقال افراد و اشخاص مورد نظر از افغانستان وعده هایی سپرده بود که نتوانست بهمه آنها جامه عمل بپوشاند، زیرا سردرگمی و هرج و مرج در میدان هوایی کابل بتاریخ ۲۷ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، هنگامی که بایدن گفته بود تا زمانی که همه شهروندان امریکایی فرصت خروج از افغانستان را پیدا نمایند، نظامیان را در آنجا نگه خواهد داشت. تصمیم بایدن بمنظور فراخواندن نظامیان کشورش از افغانستان، پس از آنکه "طالب" ها در امتداد چند روز بتاریخ ۲۴ ماه اسد سال ۱۴۰۰ خورشیدی، ۲۰ سال پس از سرنگونی نخست آنها توسط نظامیان تحت رهبری ایالات متحده، سرزمین و اراضی کشور ما در امتداد چند روز در نتیجه برنامه از قبل تهیه شده و پس از معاملات کاملن سری و پشت پرده اداره و اشنگتن و "طالب" ها، دودسته به "جنگجویان دشمن" (!) تسلیم داده شد.

اقدام اینچنینی، واکنش های گسترده ای را در سراسر جهان برانگیخت. فقط یکماه قبل از ورود "طالب" ها بکابل، بایدن بامریکایی ها گفته بود که احتمال بقدرت رسیدن مجدد "طالب" ها در افغانستان "بسیار بعید" می باشد.

اما در نهایت باید یادآور شد که تخلیه نظامی که بمنظور تکمیل آن بهزاران نیروی اضافی امریکایی نیاز بود، یكروز زودتر از موعد مقرر بتاریخ ۴ ماه سنبله سال ۱۴۰۰ خورشیدی پایان پذیرفت و صدها تن از شهروندان امریکایی و بتعداد هزاران تن از متحدان افغان خویش را در افغانستان پشت سرها نمودند. پس از آن، در صدد آن شدند تا نحوه حضور مجدد شان را با تعدیل هایی عوض نمایند.

یکشنبه ۲۰ ماه حوت سال ۱۴۰۰ خورشیدی برابر با ۱۰ ماه مارچ سال ۲۰۲۴ ترسای